

اخراج پناهندگان و مهاجرین افغانی از ایران بس غیرانسانی است!

بهرام رحمانی

چهاردهم بهمن ماه هشتاد و شش

خبر کوتاه، اما تکان دهنده است: بر اساس گزارشات خبری، حکومت اسلامی ایران، روز چهارشنبه و پنجشنبه (۹ و ۱۰ ژانویه ۲۰۰۸) مجموعاً بیش از ۳۳۰ پناهنده افغانی را دستگیر و در سرما و برف شدید در مرز افغانستان رها کرد. مقامات محلی افغانستان اعلام کردند که اگر به موقع ترتیبات انتقال این پناهندگان را نمی دادند امکان مرگ همه این افراد در اثر سرمای شدید وجود داشت.

مدیرکل امور اتباع و مهاجران وزارت کشور حکومت اسلامی، سید تقی قائمی، روز ۱۱ دی ماه ۱۳۸۶، در یک نشست مطبوعاتی اعلام کرده بود که «تاکنون افراد فاقد مجوز را به طور مسالمت آمیز و به وسیله اتوبوس به کشورشان باز می گردانیم اما از این پس با توجه به اختیارات قانونی کسب شده، قصد داریم مهاجران غیرمجاز را حداکثر تا پنج سال در اردوگاه هایی که برایشان در نظر گرفته شده، نگهداری کنیم.» وی در باره این «اردوگاه ها» می گوید: «این اردوگاه ها شرایط زندان را خواهند داشت.» این سیاست غیرانسانی حکومت اسلامی، بر علیه مهاجرین و پناهندگان افغانی در جهان بی سابقه است.

حکومت اسلامی، از یک سو زندگی و جان میلیون ها شهروند را به دلیل کمبود سوخت و گاز در معرض خطر جدی قرار داده است و از سوی دیگر در چنین شرایط هولناکی دسته دسته انسان های زحمت کش و محرومی که سه دهه در ایران کار و زندگی کرده اند را با سیاست های فاشیستی و غیرانسانی در سرمای جان کاه و برف سنگین از طریق مرزهای شرقی کشور راهی دیار مرگ و نیستی می کند؟! در واقع جان انسان در نزد سران حکومت اسلامی بی ارزش است. بنابراین، مقابله با این وحشی گری های حکومت اسلامی، وظیفه آگاهانه و داوطلبانه همه شهروندان ساکن ایران، به ویژه تشکل های مستقل کارگران، زنان، دانشجویان و همه مردم آزادی خواه و برابری طلب است.

مردم افغانستان سال هاست که ناخواسته با حملات نظامی خارجی و کشمکش و جنگ داخلی فرقه های مذهبی به زندگی دردناک و مصیبت باری دچار شده اند. طی سه دهه گذشته مردم افغانستان دواشغال نظامی، اولی توسط شوروی سابق و دومی توسط آمریکا و متحدانش و هم زمان قدرت گیری گروه های سرکوبگر اسلامی را تجربه کرده اند. اشغال افغانستان به وسیله اتحاد شوروی سابق و پس از آن تسلط نیروی طالبان بر این کشور و به دنبال آن جنگ نیروهای متحد (آمریکا و تعدادی دیگر از کشورها) که با تصویب شورای امنیت ملل متحد صورت گرفت، سبب شد که هر بار تعداد زیادی از مردم افغانستان جان خود را از دست بدهند و یا کشورهای همسایه آواره شوند. همچنین میلیون ها تن از مردم افغانستان طی سه دهه گذشته در داخل کشور به کوچ اجباری وادار شده اند. میلیون ها تن از مردم این کشور، به ویژه به کشورهای همسایه افغانستان، به طور عمده به ایران و پاکستان پناهنده شده اند و اکثر آن ها در این کشورها یا به دام گروه های مذهبی گرفتار آمده اند و یا به عنوان نیروی کار ارزان و برای کارهای سخت

و زیان آور و خطرناک وادار گردیده اند. (به ضمیمه رجوع کنید)

افغانستان در شرق ایران، در بین کشورهای ایران، ترکمنستان، تاجیکستان، چین و پاکستان قرار دارد، از موقعیت استراتژیکی برخوردار است. وسعت افغانستان حدود ۶۵۲/۰۰۰ کیلومتر مربع (حدود ۱/۳ مساحت ایران) است. این کشور بیش از ۲۵ میلیون نفر جمعیت دارد. افغانستان تا پیش از قرن ۱۸ دارای یک کشور مستقلی نبوده و قسمتی از آن به هند و قسمت شرقی آن به ایران تعلق داشته است. بعد از قرن ۱۸، حکومت های محلی تشکیل و کشور مستقل افغانستان به وجود آمده است.

اساس اقتصاد مردم افغانستان کشاورزی و دامداری است و صدور محصولات کشاورزی و دامی یکی از منابع درآمد ارز افغانستان محسوب می گردد. طی سه دهه گذشته، اگر کشت خشخاش و تولید مواد مخدر یکی از منابع درآمد برای مراکز قدرت و ثروت در این کشور بوده است اما، سهم مردم جز سرکوب و کشتار، ناامنی، بیکاری، فقر شدید، قحطی و گرسنگی چیز دیگری نبوده است.

پس از سقوط طالبان و استقرار دولت جدید و نیروهای خارجی در افغانستان، مساله بازگشت داوطلبانه پناهندگان افغان مطرح گردید و به گفته مقامات حکومت اسلامی در امر پناهندگان، در «سه سال گذشته يك میلیون و ۴۰۰ هزار نفر، یعنی ۶۱ درصد آوارگان افغانی مقیم ایران» به کشورشان باز گشته اند و یا به زور باز گردانده شده اند. اما پس از آن که وعده های اشغالگران آمریکایی و متحدانش و دولت افغانستان برای بهبود زندگی مردم، نه تنها عملی نشد، بلکه جنگ و کشتار، ناامنی هم چنان در افغانستان ادامه پیدا کرد، سبب شد که موج جدیدی از مردم افغانستان به کشورهای همجوار آواره شوند.

مسئولان کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، در یکی از گزارش های خود، اعلام کرده است که افغان ها ۲۳ درصد کل پناهجویان جهان را تشکیل می دهند که بخش های عمده ای از این پناهجویان، در شرایط بسیار دشوار و نامناسبی بسر می برند.

اخراج غیرانسانی پناهندگان و مهاجرین افغانی از ایران

محمدحسن صالحی مرام، مدیرکل اشتغال اتباع بیگانه وزارت کار حکومت اسلامی ایران، در مهر ماه سال گذشته اظهار داشت که سه میلیون افغان در ایران زندگی می کنند، که تنها حدود ۹۰۰ هزار نفر آن ها مجوز اقامت، و از آن میان فقط هزار نفر دارای اجازه کار هستند.

از اوایل سال ۱۳۸۶، حکومت اسلامی ایران، با به کارگیری سیاست های سرکوب و زور و با تبلیغات شنیع و دروغ اخراج پناهندگان و مهاجرین افغانی را تشدید کرده است. حکومت اسلامی و رسانه های آن بی شرمانه بیکاری و ... را به پناهندگان و مهاجرین افغانی در ایران نسبت می دهند. اگر یک افغانی مرتکب جرمی در ایران شود رسانه های حکومتی آن را با هدف تحریک احساسات مردم بر علیه افغانی ها به طور غیرواقعی و غلوآمیزی بزرگ می کنند. شکی نیست که چند میلیون پناهنده و مهاجر ایرانی در کشورهای غربی با این نوع تبلیغات نژادپرستان بر علیه مهاجرین و پناهندگان آشنا هستند.

روز نهم اسفند ۱۳۸۵، خبرگزاری حکومتی «مهر» گزارش داد که: «دوازدهمین کمیسیون اجلاس سه جانبه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری افغانستان و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان و آوارگان

افغانی شب گذشته در مشهد به کار خود پایان داد. احمد حسینی مدیر کل اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور در این مراسم گفت: به دلیل رکود این طرح در یکی دو سال اخیر تصمیم گرفته شد تا برای سرعت بخشیدن به امر بازگشت، هر یک از سه طرف این اجلاس اقدامات فوق العاده‌ای را انجام دهد.»

روز ۲۷ فروردین ۱۳۸۶، نیروی انتظامی حکومت اسلامی، طی اطلاعیه‌ای به پناهندگان افغانی که ثبت نام نشده‌اند و حکومت اسلامی ایران آنان را «غیرقانونی» می‌داند چهار روز فرصت داد تا خاک ایران را ترک کنند. نیروی انتظامی اعلام کرد که: «چنانچه مهاجران غیرقانونی تا پایان فروردین ماه ایران را ترک نکنند برخورد با آن‌ها شدت می‌یابد، و پس از دستگیری ظرف ۴۸ ساعت از ایران اخراج می‌شوند.»

روز سه شنبه ۱۱ اردیبهشت، تظاهراتی در کابل علیه حکومت اسلامی ایران در اعتراض به طرح اخراج پناهندگان افغانی برگزار شد. تظاهرکنندگان در کابل با تجمع در برابر سفارت حکومت اسلامی ایران، این اقدام سران حکومت اسلامی را محکوم کردند.

وزارت خارجه افغانستان از ایران خواسته است تا پایان فصل سرما، به مهاجرین افغان فشار نیاورد که از آن کشور خارج شوند. این در حالی است که افغانستان پیش‌تر اعلام کرده است که هنوز آمادگی پذیرش صدها هزار مهاجر اخراجی را ندارد و در صورت هجوم آن‌ها، یک فاجعه در انتظار کشور خواهد بود.

پناهندگان و مهاجرین افغانی که از جنگ و کشتار این کشور فرار کرده و به ایران پناهنده شده‌اند هم به لحاظ انسانی و اجتماعی و هم به لحاظ قوانین بین‌المللی در امور پناهندگان به ویژه کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، نباید از ایران اخراج شوند. از این رو، اخراج مهاجرین و پناهندگان افغانی به جهنم افغانستان توسط حکومت اسلامی، عملی غیرانسانی است و باید شدیداً محکوم گردد.

بعلاوه مهم‌تر از همه مهاجرین و پناهندگان سال‌هاست که در ایران کار و زندگی می‌کنند حکومت اسلامی، موظف است حق شهروندی آن‌ها را به رسمیت بشناسد. این شهروندان هم طبقه‌ای‌های ما هستند که در ایران به کارهای سخت و خطرناک با دست‌مزدهای ناچیز وادار شده‌اند. از این رو، همه نیروهای کارگری کمونیستی موظفند به دفاع از حق شهروندی آن‌ها برخیزند و نگذارند حکومت اسلامی با سیاست‌های فاشیستی خود، آن‌ها را قربانی کند.

همچنین آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد، برای نگهداری پناهجویان افغانی حدود ۱۲ میلیارد دلار به حکومت اسلامی ایران پرداخت کرده است.

از صدها هزار کارگر افغان ساکن ایران، فقط تعداد محدودی دارای پروانه کار هستند که بر اساس قانون حق کار دارند. آن‌گونه که خود کارگران گفته‌اند حقوق اندک آن‌ها و نیز شرایط اداری اخذ مجوز کار، به‌گونه‌ای است که عملاً اکثر آن‌ها نمی‌توانند چنین مجوزی را دریافت کنند.

مصطفی پور محمدی، وزیر کشور حکومت اسلامی ایران، اوایل سال جاری درباره اخراج پناهندگان افغانی به «ایسنا»، گفته بود که طرح اخراج یک میلیون افغان غیر مجاز در ایران از اردیبهشت امسال آغاز می‌شود.

ماموران وزارت کار، وزارت کشور و نیروهای انتظامی طی ماه‌های اواخر سال ۱۳۸۵ و اوایل سال ۱۳۸۶ به حدود ۲۰۰ هزار مورد بازرسی محل کار اقدام کرده‌اند تا کارگران افغان را بیابند و آن‌ها را از ایران اخراج کنند. پورمحمدی بازگشت دوباره افغانی‌ها را با وجود دستگیری و اخراج اتباع غیر مجاز تأیید کرده اما گفته بود که در

نیمه دوم سال گذشته عوامل انتظامی و اطلاعاتی درگیر موضوعات جدی چون سرشماری نفوس و مسکن، انتخابات مجلس خبرگان و شوراهای شهر بوده اند و همین کارها باعث شده تا در اخراج اتباع غیر مجاز تاخیر ایجاد شود. بر اساس گزارش وزیر کشور، در سال ۸۵ حدود ۳۰۰ هزار تبعه افغان غیرمجاز از ایران اخراج شده اند.

نتیجه آخرین طرح حکومت اسلامی که برای اخراج افغان های مقیم ایران اجرا شد نشان داد که حتی تشویق های حکومت برای عدم استفاده از نیروکار افغانی نیز موثر نیست و کارفرمایان ایرانی هنوز ترجیح می دهند که از نیروهای سخت کوش و ارزان افغانی استفاده کنند.

وزارت کار ایران برای کارفرمایانی که از کارگران افغان استفاده می کردند ۲۰۰ میلیارد تومان برگه جریمه صادر کرده و در بازرسی از کارگاه ها ۱۵۰ هزار کارگر افغان غیر مجاز شناسایی شدند.

روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت، مصطفی پور محمدی، وزیر کشور حکومت اسلامی، در جمع خبرنگاران در مرز «دوغارون» اعلام کرد که «از ابتدای اجرای طرح جمع آوری و طرد اتباع غیرمجاز تاکنون بیش از ۵۰ هزار تبعه غیرمجاز افغان از ایران جمع آوری شده اند.»

سران و ارکان های سرکوب حکومت اسلامی، این اقدام فاشیستی خود را بهانه ای برای فراهم کردن اشتغال برای بیکاران ایرانی اعلام کردند. سران حکومت اسلامی، برای شهروندان افغانی ساکن ایران که سال های طولانی به عنوان کارگر ارزان بهره کشی می کرده اند، هیچ گونه حقوق به رسمیت شناخته شده بین المللی برای آنان قائل نشده اند. سران این حکومت، وحشی گری های خود بر علیه پناهندگان و مهاجرین افغانی را به جایی رسانده اند که سخت گیری در مورد کار و دریافت شهریه زیاد از دانش آموزان افغان در سال جاری را پیش کشیده اند، ده ها هزار کودک تنها به دلیل این که پدر و مادر افغانی دارند از تحصیل محروم مانده اند.

روز پنج شنبه ۱۳ اردیبهشت، سایت اینترنتی «نوی افغانستان» به نقل از شمس الدین حامد، رییس اداره مهاجران ولایت هرات اعلام کرد که: «یک کارگر مهاجر افغان بعد از ضرب و شتم توسط پلیس ایران از این کشور اخراج شده بود، در بیمارستان درگذشت... سه مهاجر اخراجی دیگر نیز، در جریان آن چه ضرب و شتم توسط پلیس ایران خوانده شده، زخمی شده اند و هم اکنون در بیمارستان مرکزی هرات بستری هستند.» به نوشته این سایت، «آقای حامد گفت سزاوار نیست کشوری که خود را دوست و برادر مردم افغانستان می نامد، با مهاجران افغان، چنین رفتاری کند.»

حکومت اسلامی، اقامت مهاجرین و پناهندگان افغانی در شهرهای مرزی هم چون زابل، زاهدان، خاش و چابهار را ممنوع کرده است. روز شنبه ۵ خرداد ۱۳۸۶ ایسنا، گزارش داد که پاسدار محمد غفاری، فرمانده قرارگاه فتح نیروی انتظامی در سیستان و بلوچستان، اعلام کرد که: «از هفته آینده کار جمع آوری و طرد اتباع غیرمجاز در شهرستان زاهدان آغاز می شود، ضمن این که اتباع مجاز باید در صورت تمایل به دیگر استان های کشور عزیمت کنند... اتباع غیرمجاز و مجاز در هیچ یک از شهرهای مرزی استان اعم از زابل، زاهدان، خاش و چابهار حق سکونت ندارند.» بنابراین، اینهم یکی دیگر از آشکارترین نوع سیاست فاشیستی حکومت اسلامی بر علیه شهروندان رنج دیده افغانی است. اداره مهاجرین ولایت هرات در غرب افغانستان، روز دوشنبه ۲۴ دی ۱۳۸۶ - ۱۴ ژانویه ۲۰۰۸، اعلام کرد که حکومت اسلامی، ۴۰۰ مهاجر دیگر افغان را از ایران اخراج کرده است. مهاجران مذکور در حالی اخراج می شوند

که ولایت «هرات» طی روزهای گذشته شاهد بارش برف سنگین و سرمای شدید بوده است.

«شمس الدین حامد»، رئیس اداره مهاجرین هرات، به شبکه خبری «بی.بی.سی»، گفت: «به علت مسدود بودن راه اسلام قلعه به هرات، مهاجران اخراج شده در مرز گیر کرده اند و هیچ گونه امکاناتی برای انتقال آن ها به شهر هرات یا ارسال کمک برای آنان وجود ندارد و در صورت ادامه روند اخراج مهاجران از ایران، فاجعه انسانی در انتظار اخراج شدگان خواهد بود.

از سال ۱۳۸۱ و با تشکیل دولت مرکزی در افغانستان، ایران برنامه انتقال مهاجران را در دستور کار قرار داده و در فاصله کوتاهی حدود دو میلیون نفر از آن ها را برگردانده است اما آمار نشان می دهد برخی از آن ها دوباره به این کشور باز گشته اند.

وزارت مهاجرین افغانستان نیز تاکید دارد که نبود امنیت در افغانستان باعث شده تا روند برگشت مهاجران افغان از ایران و پاکستان کندتر شود. عبدالقادر احدی، معاون وزارت مهاجران و عودت کنندگان افغانستان می گوید که اخیرا بازگشت مهاجران افغان از کشورهای همسایه، شکل اجباری را به خود گرفته است.

فاجعه انسانی در انتظار مردم افغانستان

بنا به گزارش خبرگزاری سینا از هرات، پنجاه و چهار طفل در ولایت بادغیس در جریان ده روز گذشته پس از ریزش بارش برف و سرمای زمستان جان خود را از دست دادند. مقامات محلی با تائید این خبر می گویند به دلیل مسدود بودن راه های مواصلاتی به مراکز ولسوالی ها هنوز کمک های عاجل به آن مناطق ارسال نگردیده است. در خبری های بعدی از جان باختن کودکان در افغانستان آمده است که صدها کودک در اثر سرما، جان خود را از دست داده اند.

قاضی عبدالرحیم، رئیس کمیسیون ضد حوادث در ولایت بادغیس، گفته است که در جریان ده روز گذشته ۷۷ تن در سه ولسوالی قادس، آب کمری و مقر ولایت بادغیس در جریان بارش برف و سرمای زمستان جان خود را از دست داده است. والی هرات، از افغان های مقیم خارج کشور خواسته که به آسیب دیدگان سرمای کم سابقه این ولایت کمک کنند. در این پیام که از طریق سایت رسمی ولایت هرات منتشر شده، سیدحسین انوری، از افغان های مقیم خارج خواسته است تا با ارسال کمک، کاری کنند تا «از یک فاجعه انسانی جلوگیری شود».

به گزارش موسسات هواشناسی، دمای هوای هرات در روزهای اخیر، تا ۲۵ درجه زیر صفر پایین رفته است که این میزان از سرما، به گفته مردم این ولایت، دست کم در سه دهه گذشته بی سابقه بوده است. مقامات محلی می گویند سرمای شدید و بارش برف سنگین، تاکنون جان بیش از ۱۵۰ تن را در ولایت هرات گرفته است. همچنین گفته شده است که ده ها هزار راس دام در این موج سرما، تلف شده اند.

دولت افغانستان و نمایندگی سازمان ملل متحد در این کشور، برای جلوگیری از بروز فاجعه انسانی در افغانستان، درخواست ۸۰ میلیون دلار کمک کرده اند.

«کریم خلیلی»، معاون رئیس جمهور افغانستان روز پنج شنبه ۴ بهمن ۱۳۸۶ - ۲۴ ژانویه ۲۰۰۸ در یک کنفرانس خبری در کابل، گفت: بیش از ۲ میلیون نفر در سراسر افغانستان به دلیل افزایش قیمت مواد خوراکی با فقر شدید و خطر گرسنگی روبرو هستند و در صورتی که کمک های فوری در اختیار آنان قرار نگیرد، افغانستان با فاجعه

انسانی روبرو خواهد شد. معاون رئیس جمهور افغانستان همچنین از مرگ ۲۴۶ تن بر اثر سرما و نابود شدن هزاران راس دام خبر داد و از نهادهای کمک رسانی درخواست کرد تا به یاری دولت و مردم افغانستان بشتابند. دولت آمریکا، در سال ۲۰۰۱ با شعار مقابله با «تروریسم» و از بین بردن طالبان و القاعده و بهبود زندگی مردم افغانستان این کشور لشکر کشی کرد. اما حضور این نیروها و سایر نیروهای خارجی به افزایش جرم و جنایت، کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر، آدم ربائی، افزایش درگیری ها و خشونت های خونین و احتمال احیای مجدد طالبان در افغانستان منجر شده است.

بدین ترتیب، برگرداندن مهاجرین و پناهندگان افغانی توسط حکومت اسلامی از ایران به افغانستان، هم مغایر با قوانین بین المللی شناخته شده در پذیرش پناهندگان است و هم آگاهانه برگرداندن این انسان ها به درون جنگ و کشتار، سرما و یخبندان، فقر و فلاکتی است که جنایتی آشکار بر علیه بشریت محسوب می شود.

دوازده میلیون دلار برای نگهداری پناهجویان افغانی در ایران

آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد می گوید امسال حدود دوازده میلیون دلار بابت نگهداری از پناهجویان افغان به ایران پرداخته است.

این موضوع را جودی هاپکینز دستیار کمیسر عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان مرداد ماه ۱۳۸۶، در پایان سفرش به ایران با شرکت در یک کنفرانس خبری اعلام کرد.

خانم هاپکینز، افزود امنیت در افغانستان هنوز به طور کامل برقرار نشده و بسیاری از مردم این کشور در سال های اخیر بارها و بارها با تهدید روبرو شده اند. این دستیار ارشد رئیس آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد، تاکید کرد که در چنین حالتی، بازگشت افغان ها به کشورشان، «باید کاملاً داوطلبانه و تدریجی باشد».

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، در حالی بر بازگشت داوطلبانه و تدریجی پناهجویان افغان به کشورشان تاکید می کند که مقامات حکومت اسلامی ایران، اعلام کرده اند که اخراج آن دسته از افغان هایی که اقامت شان در ایران، «غیرقانونی» پنداشته می شود، هم چنان ادامه دارد.

«نسل دوم» افغانی ها در ایران و پاکستان

یک بررسی نشان می دهد که بیش تر جوانان مهاجر افغان در پاکستان و ایران، دلیل عدم بازگشت خود به افغانستان را «نبود امکانات اولیه زندگی و مشکلات امنیتی» در این کشور خوانده اند.

این بررسی از سوی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان که یک نهاد مستقل است انجام شده و در آن با حدود دو صد نفر از جوانان و نوجوانان افغان گفتگو شده است.

آمار رسمی، تعداد افغان هایی را که در ایران و پاکستان بسر می برند، حدود سه میلیون نفر نشان می دهد. به گفته مسئولان واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، بیش تر این پناهجویان را جوانان و نوجوانان افغان تشکیل می دهند.

در این بررسی که از جوانان مهاجر افغان در ایران و پاکستان به نام «نسل دوم» یاد شده، آمده است که برای بیش تر جوانان افغان، برگشت به کشورشان مفهومی ندارد. این بررسی همچنین گفته است که باید با استفاده از شیوه های مختلف، نیازمندی ها و احساسات این جوانان که عمدتاً در کشورهای میزبان به دنیا آمده اند و درکی از کشور خودشان ندارند، بیش تر مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

ادامه جنگ و خشونت در افغانستان

نیروهای طالبان، با حمایت های آمریکا، عربستان و پاکستان، بخش هایی از افغانستان را اشغال کردند. آنان با اشغال قندهار در سال ۱۹۹۴، عملاً حکومت خود را با قوانین سخت قرون وسطایی مذهبی در این منطقه به اجرا گذاشتند. مردم افغانستان که از هرج و مرج و درگیری و جنگ داخلی خسته شده بودند و نیاز شدیدی به آرامش داشتند در ابتدا روی خوش به طالبان نشان دادند. طالبان سرانجام در سال ۱۹۹۶، کابل را اشغال کرد و بدین ترتیب با تصرف پایتخت، حکومت خود را در سراسر افغانستان مستقر ساخت. اگرچه در این دوران و بعد از آن مقاومت هایی صورت گرفت، اما قدرت مالی و نظامی طالبان به همراه دیکتاتوری غیرقابل تصویری که با اتکا به قوانین اسلامی در کشور به وجود آورد باعث شد که ثبات و پایداری آن هر روز استحکام بیش تری یابد. با استقرار حکومت طالبان به مرور چهره خشن و ارتجاعی این گروه مذهبی عرصه را بر مردم تنگتر کرد. اما حامیان طالبان، هم چون دول عربستان سعودی، پاکستان، آمریکا و... از حاکمیت این گروه سوپارتجاعی مذهبی در افغانستان، خشنود بودند. ملا عمر، رهبر طالبان است. مردی که حتی مخالف عکس بود و آن را حرام می دانست و از این روی عکس های محدودی از او وجود دارد. طالبان، حتی تراشیدن ریش مردان را حرام اعلام کرده بود؛ تلویزیون را دار می زد؛ عکاسی ممنوع بود؛ شیشه منازل باید رنگ می شد تا زنان داخل خانه دیده نشوند؛ خروج زنان از منزل را ممنوع کرده بود مگر در مواقع بسیار ضروری ...

در طول جنگ های داخلی در افغانستان و به ویژه پس از استقرار حکومت طالبان در این کشور، بن لادن رهبر القاعده که به لحاظ ایدئولوژیک با طالبان همکاری داشت زمینه فعالیت خویش را گسترش داد. بن لادن، در جنگ با شوروی از همراهان مجاهدین افغان و مورد حمایت دولت آمریکا بر علیه شوروی بود. وی، سرمایه افسانه ای خود را در اختیار طالبان گذاشته بود.

بدنبال واقعه تروریستی یازده سپتامبر و ادعای دولت آمریکا که اجرای این عملیات توسط بن لادن رهبری شده است آمریکا از طالبان خواست که بن لادن را تحویل دهد. اما طالبان امتناع کرد. بدین ترتیب، آمریکا رسماً جنگی را علیه افغانستان و حکومت طالبان آغاز کرد. سرانجام حکومت طالبان در افغانستان سرنگون شد. اما آمریکا و متحدان او نتوانستند ملا عمر، رهبر طالبان و بن لادن، رهبر القاعده را دستگیر کنند. القاعده، دامنه فعالیت های تروریستی خود را به سراسر جهان کشاند و نیروهای وفادار به طالبان نیز هم چنان در حال جنگ و گریز با نیروهای دولتی افغانستان و سربازان خارجی مستقر در این کشور هستند.

سال گذشته، وزرای دفاع بیست شش کشور عضو ناتو در نشست غیر رسمی در هالند برای بحث پیرامون چالش های پیش روی ماموریت نیروهای ناتو در افغانستان گردهم آمدند. حتی گسترش ناآرامی و ناامنی در افغانستان اختلاف نظر عمیقی در میان کشورهای اعضای ناتو ایجاد کرده است. کشورهای عضو ناتو که بیش از دو میلیون سرباز خاص زمینی، دریایی و هوایی دارند هنوز نتوانسته اند آرامشی در افغانستان برقرار کنند. بنابراین، شکست اولین ماموریت نظامی ناتو در خارج از اروپا ضربه جدی به توان و قابلیت های پیمان نظامی ناتو است. پیمانی که آمریکا سعی می کند با گسترش ماموریت هایش به خارج از اروپا، از آن به عنوان پلیس بین الملل در خدمت لشکرکشی ها و تجاوزات و توسعه طلبی های جهانی خود، بهره برداری کند.

بدین ترتیب، عملکرد آمریکا و ناتو در افغانستان، نه تنها موجب مهار فعالیت تروریستی نشده است، بلکه به افزایش کشتار غیرنظامیان نیز منجر شده است. همچنین حضور نظامی ناتو و آمریکا در افغانستان باعث رونق بازسازی نیز نشده است. فقر و فلاکت اقتصادی در این کشور در حال افزایش است. وضعیت زنان و کودکان هیچ بهبودی پیدا نکرده است. کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر نسبت به سال های قبل از اشغال نظامی این کشور توسط نیروهای آمریکا و متحدان آن، رشد فوق العاده ای داشته است. جنگ و درگیری بین طالبان و نیروهای خارجی و ارتش افغانستان هم چنان در جریان است و طالبان بر بخش وسیعی از این کشور تسلط دارد.

حملات هوایی آمریکا در افغانستان به بهانه از بین بردن طالبان و القاعده هم چنان ادامه دارد و این در حالی است که غیرنظامیان به ویژه زنان و کودکان، قربانیان این حملات هستند. در آخرین عملیات هوایی ارتش آمریکا در ولایت وردک چهارده تن کشته و شانزده نفر زخمی شدند. یازده تن از کشته شدگان اعضای یک خانواده بودند و به گفته شاهدان عینی، در منطقه ای که از سوی بمب افکن های آمریکائی مورد حمله قرار گرفت افراد مسلح و یا طالبان و القاعده حضور نداشتند.

عملیات های ناهماهنگ ناتو در افغانستان در طول سال ۲۰۰۷، به طور بی سابقه ای از مردم بی دفاع افغانستان قربانی گرفت. در اکثر این عملیات ها که بدون هماهنگی با دولت افغانستان، مقامات محلی و براساس گزارش های غلط صورت می گرفت، کشتار غیرنظامیان تنها نتیجه ای بود که برجای می ماند و در نهایت سبب لبریز شدن صبر مردم افغانستان و بلند شدن صدای اعتراض آنان علیه دولت و جامعه جهانی، به ویژه سازمان ملل شده است. این وضعیت به حدی اسفناک و گسترده بود که مهم ترین محور گفتگوهای رئیس جمهور افغانستان «کرزی» و رئیس جمهور آمریکا «بوش» را در اواسط سال ۲۰۰۷ در آمریکا تشکیل داد. نیروهای آمریکایی با وقوع هر اشتباه که منجر به کشتار غیرنظامیان می شد، اعلام می کردند که متاسف هستند و در آینده بیش تر دقت خواهند کرد، اما کشتار غیرنظامیان عملاً هم چنان ادامه داشت.

در حال حاضر ۲۶ هزار نیروی آمریکایی در افغانستان مستقر هستند و آمریکا آمادگی خود را برای اعزام نظامیان بیش تر نیز اعلام کرده است. فرماندهان آمریکایی در افغانستان از این که تعداد نیروهای زمینی آن ها بسیار کم است همواره شکایت دارد. شمار سربازان انگلیسی که در قالب نیروهای بین المللی امنیتی ایساف در افغانستان فعالیت می کنند نیز به حدود ۷۷۰۰ تن می رسد که بیش تر آنان در جنوب این کشور مستقر هستند. ارتش کنونی افغانستان نیز در حال حاضر ۵۸ هزار افسر آموزش دیده و سرباز دارد که به گفته مقامات افغانستان این تعداد تا ماه های آینده به احتمال زیاد به ۷۰ هزار تن نیز خواهد رسید.

در روزهای پایانی سال ۲۰۰۷، سازمان ملل متحد در گزارش تحقیقی، این سال را خونین ترین سال از زمان سقوط حکومت طالبان در افغانستان در سال ۲۰۰۱ تاکنون، دانست. تنها ظرف شش ماه نخست سال ۲۰۰۷ میلادی، ۷۷ مورد حمله انتحاری در افغانستان صورت گرفت که این میزان دو برابر زمان مشابه در سال گذشته میلادی بوده است. میانگین تلفات ناشی از خشونت ها در افغانستان در سال ۲۰۰۶، حدود چهار هزار بود، در حالی که براساس گزارش ها، در سال ۲۰۰۷ بیش از پنج هزار و پانصد نفر در افغانستان کشته شده اند. این تلفات شامل نفرات طالبان، غیرنظامیان و نیروهای امنیتی می شود.

بر اساس این گزارش، شمار حملات انتحاری در ماه های پایانی سال ۲۰۰۷ به حدود ۱۴۰ مورد رسید که خونین ترین این حملات، عملیات یک بمب گذار انتحاری در ولایت بغلان بود که طی مراسم بازدید نمایندگان ولسی جرگه از کارخانه قند بغلان صورت گرفت و بر اثر آن قریب به ۸۰ تن از جمله ۵۹ شاگرد مدرسه و شش نماینده پارلمان کشته شدند.

پر تلفات ترین این حملات انتحاری کابل در برابر فرماندهی نیروهای امنیتی بود که حدود سی تن از نیروهای پلیس در آن کشته شدند و پس از آن نیروهای اردوی ملی در منطقه کارته پروان در غرب کابل هدف یک حمله انتحاری دیگر قرار گرفتند که حدود ۳۰ تن کشته داد و بیش تر کشته شدگان، سربازان اردوی ملی بودند.

در طول این سال، در راستای افزایش فعالیت و تحرکات طالبان در کشور، بسیاری از ولسوالی ها بارها میان طالبان و دولت رد و بدل شد که می توان به ولسوالی های موسی قلعه، سنگین، بگوا، گلستان و... اشاره کرد که هم اکنون نیز چندین ولسوالی هم چنان در اختیار طالبان قرار دارد.

در این میان، ولسوالی موسی قلعه، بیش از ده ماه در دست طالبان بود، به بزرگ ترین مرکز برای فعالیت های تروریستی و آموزشی طالبان و مخالفین تبدیل شد. همچنین این ولسوالی به مرکزی بزرگ برای فعالیت های تبلیغی و فکری طالبان نیز تبدیل شد و آن ها توانستند نیروهای بیش تری را برای انجام فعالیت های تخریبی هم از داخل و هم از خارج کشور جذب کنند.

نیروهای انگلیسی در سال ۲۰۰۷، سالی سخت را برای ولایت هلمند رقم زدند و برخورد «نرم» این نیروها با طالبان و مخالفین و عدم برخورد قاطع با آنان، زمینه های بیش تری را برای افزایش قدرت طالبان مساعد ساخت. به دنبال همین «نرم» برخوردن کردن های نیروهای انگلیسی بود که هلمند به بزرگ ترین مرکز فعالیت برای طالبان تبدیل شد و تروریسم بیش تری را به ولایات دیگر کشور به ویژه کابل، صادر کرد.

طبق گزارش سازمان ملل، حدود ۲۲۰ نیروی نظامی بین المللی در سال ۲۰۰۷ در افغانستان کشته شدند، در حالی که این رقم در سال گذشته میلادی ۱۹۰ تن بوده است. این گزارش می افزاید، پلیس افغان با حدود ۷۰۰ کشته، بیش ترین تلفات را در بین نیروهای امنیتی داشته است.

در این میان آمریکا با تکیه بر نظامی گری در افغانستان خواستار اعزام نیروها و تجهیزات بیش تر از سوی ناتو و سهم گیری بیش تر آن ها در چالش مبارزه با طالبان در جنوب کشور شده است. اما کشورهای عضو ناتو در مخالفت با نظامی گری صرف در افغانستان، بیش تر بر بازسازی عرصه های اقتصادی و اجتماعی و کمک به تقویت و افزایش ظرفیت های نیروهای پلیس و اردوی ملی تاکید دارند.

در این میان حکومت اسلامی ایران، همانند عراق متهم شده است که به گروه های مدهبی مخالف دولت افغانستان از جمله القاعده، اسلحه و مهمات می رساند. اخیرا نیروهای امنیتی ولایت فراه گفته اند که یک انبار بزرگ اسلحه و مهمات طالبان را در ولسوالی «انار دره» به دست آورده اند.

حبیب نور، یکی از مسئولان پلیس ولایت فراه، به «بی.بی.سی» گفت بیش تر این مهمات مین های ضد نفر و مین های کنترل شونده از راه دور هستند. آقای نور می گوید این مهمات هنگام بازرسی خانه ملا عبدالغنی، یکی از فرماندهان طالبان، به دست آمده است. به گفته او خود این فرمانده طالبان از منطقه فرار کرده است.

این مقام پلیس فراه گفت مقداری از این مهمات، که قابل انتقال نبوده، در همان منطقه ای که این مهمات انبار شده بود از سوی مسئولین منفجر شده است.

پلیس فراه برخی از این مین ها را ساخت ایران و روسیه خوانده است؛ اما اداره امنیت ملی این ولایت می گوید به دلیل این که نشان و علائم روی مهمات و سلاح های کشف شده از بین رفته، محل ساخت آن ها قابل تشخیص نیست. این در حالی است که دان مک نیل، فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان، پیش تر گفته بود نیروهای بین المللی یاری امنیت (آیساف) یک کاروان تجهیزات نظامی را در غرب افغانستان به دست آوردند که به گفته او اسلحه موجود در آن در ایران ساخته شده بود.

مقامات محلی ولایت بلخ در شمال افغانستان هم شماری را به اتهام انتقال مین های ساخت ایران بازداشت کرده بودند. یک مقام ولایت بلخ گفت این مین ها برای انفجار ذخایر نفت و گاز شهرک حیرتان وارد بلخ شده بود. به گفته او این مین ها ساخت سال ۱۹۹۸ در ایران بوده اند.

اکنون شش سال از حضور نظامی آمریکا در افغانستان می گذرد. تاکنون نه تنها مشکلات مردم افغانستان حل نشده است، بلکه مردم این کشور هم چنان قربانی توسعه طالبی میلیتاریستی آمریکا و گروه های اسلامی تروریستی هم چون طالبان و القاعده و ... هستند.

نتیجه گیری

حکومت اسلامی «طرح ضربتی اخراج افغانی» ها را از اوایل سال ۸۶ آغاز کرد و تاکنون صدها هزار تن از این پناهندگان را اخراج کرده است. با شروع به عملی شدن این طرح، تاکنون صدها پناهنده مورد ضرب و شتم و بی حرمتی نیروهای امنیتی قرار گرفته و حتی چندین تن نیز جان خود را از دست داده اند.

گرچه افغان های مقیم ایران بعد از گذشت بیست و هشت سال زندگی در این کشور، دارای نسلی هستند که در ایران زاده و بزرگ شده اند، اما از هیچ گونه حقوق و حمایت رسمی از جانب حکومت این کشور براساس قوانین پناهندگی برخوردار نیستند. تابعیت که بعد از چند سال زندگی در کشور هایی غربی هم چون آمریکای شمالی و اروپا و یا دیگر ممالک به شکل رسمی به مهاجرین اعطا می گردد، در ایران برای مهاجرین افغان وجود ندارد.

تعداد کثیری از این مهاجرین به دلیل عدم برخورداری از حمایت دولتی و حق پناهنگی، به شکل «غیرقانونی» به کار های سخت و زیان باری مثل کارهای ساختمانی، سنگبری، نانوایی، کشاورزی، پاک سازی سرک ها و پارک ها، خیاطی، کفاشی و دیگر مشاغل رو می آورند. در این میان، فقط عده اندکی از آنان به دلیل تحصیل و تجارب خویش، و احتیاج حکومت اسلامی ایران به خدمات آن ها، موفق به کسب مشاغل بهتر گردیده اند.

در سال ۱۳۸۳ - ۲۰۰۲، کمیساریای عالی پناهندگان طی مذاکراتی با دولت موقت افغانستان و کشورهای همسایه آن، از جمله ایران، اعلام کرد در صدد برنامه ریزی و فراهم کردن زمینه های بازگشت مهاجران افغانی به کشورشان است. از آن زمان در ایران طرح های زیادی جهت بازگشت افغانی ها به کشورشان پیاده شده است.

حکومت افغانستان که مورد حمایت آمریکا، دولت های اروپایی و سازمان ملل و غیره نیز است، در حال حاضر به دلیل محدودیت منابع اقتصادی این کشور، قابلیت و توانایی پذیرش پناهندگان و مهاجرین افغان مقیم ایران و پاکستان را ندارد و این مساله بارهای توسط مقامات افغانستان تکرار شده است. اما با این وجود حکومت پاکستان و به ویژه

حکومت اسلامی ایران، به زور صدها هزار پناهده و مهاجر را به جهنم افغانستان برگردانده اند که آن ها از هیچ گونه امکانات ابتدایی زیست و زندگی برخوردار نیستند و در بهترین حالت در زیر چادرهای «اهدایی» نهادهای بین المللی انسان دوست زندگی سخت و مشقت باری دارند. سازمان ملل و نهادها و موسسات بین المللی نیز در این زمینه فعالیت چندانی انجام نداده اند.

مدیرکل امور اتباع و مهاجران وزارت کشور جمهوری اسلامی، اعلام کرده است که «... از این پس با توجه به اختیارات قانونی کسب شده، قصد داریم مهاجران غیر مجاز را حداکثر تا پنج سال در اردوگاه هایی که برایشان در نظر گرفته شده، نگهداری کنیم.» وی در باره این «اردوگاه ها»، گفت: «این اردوگاه ها شرایط زندان را خواهند داشت.» طرح زندانی کردن پناهندگان افغانی در ادامه سالها اذیت و آزار و ضرب و شتم این بخش محروم جامعه است. کارگران و پناهندگان افغانی در جمهوری اسلامی در سخت ترین شرایط زندگی می کنند. حکومت اسلامی، با سیاست های فاشیستی حکومت اسلامی خود، پناهندگان و مهاجرین افغانی را دستگیر و زندانی و اخراج می کند. این حکومت، تاکنون کارنامه سیاهی در سرکوب و کشتار مردم محروم و معترض دارد و در قربانی کردن مهاجرین و پناهجویان افغانی نیز به شنیع ترین و وحشیانه ترین اقدامات پلیسی متوسل می شود.

در چنین شرایطی، کلیه نیروهای کارگری کمونیستی و وظیفه دارند که از این هم طبقه ای های افغانی خود در ایران، به حمایت و پشتیبانی برخیزند و نگذارند آن ها قربانی معاملات غیرانسانی حکومت های ایران و افغانستان و بند و بست های آن ها با مقامات کمیساریای پناهندگی سازمان ملل شوند. آن ها و خانواده هایشان باید از کلیه حقوق شهروندی، از جمله حق اقامت و کار و حمایت ها و خدمات عمومی برخوردار شوند. در این میان طبیعی است که کارگران و همه مردم آزادی خواه و برابری طلب این جنایات حکومت اسلامی محکوم کنند و به حمایت از شهروندان افغانی ساکن ایران برخیزند. سران حکومت اسلامی، ارگان های سرکوب آن، از جمله خانه کارگر و شوراهای اسلامی، برای سرپوش گذاشتن بر جنایات حکومت شان، شهروندان افغانی را عامل بی کاری کارگران ایران معرفی می کنند. این دروغ بزرگی است و هدف آن، تفرقه انداختن در صفوف کارگران است. کارگران بدون توجه به ملیت و جنسیت، به عنوان یک طبقه تحت استثمار شدید سرمایه داران و حکومت آن ها قرار می گیرند بنابراین، کارگران و مردم آزادی خواه در هر شرایطی، از همبستگی و اتحاد طبقاتی خود حرکت می کنند. عامل اصلی فقر و فلاکت اقتصادی و محرومیت های اجتماعی از جمله بیکاری و ناامنی شغلی اکثریت شهروندان جامعه هفتاد میلیونی ایران، و همچنین سرکوب و خفقان حکومت اسلامی است. حمله وحشیانه حکومت اسلامی به مهاجرین افغانی، بخشی از حمله گسترده آن به حقوق و آزادی های اجتماعی زنان و جوانان در خیابان ها، برپایی چوبه های دار در میدانی شهرها، دستگیری و زندان کردن فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان و جنبش دانشجویی و همه مردم آزادی خواه صورت است بنابراین، مقابله با این تهاجمات وحشیانه حکومت اسلامی نیز در گرو اتحاد و همبستگی و مبارزه همه کارگران و مردم محروم و برابری طلب است.

هم اکنون مهاجرین و پناهندگان افغانی مقیم ایران، از ترس اخراج شدن، در بدترین وضعیت ممکن خود قرار دارند. طبیعتاً در این میان، بیش ترین و بزرگ ترین لطامات به کودکان و جوانان بی گناه تحمیل میشود، که حتی از ادامه تحصیل نیز محروم شده اند. اوضاع افغانستان به حدی وخیم است که والدینشان به حداقل زندگی در ایران راضی هستند

و برای آن مبارزه میکنند. در این مبارزه مرگ و زندگی، نباید پناهندگان و مهاجرین افغانی، یعنی این بخش از جامعه محروم و زحمت کش ورنج دیده جامعه ایران را در مقابل نیروهای وحشی و سرکوبگر حکومت اسلامی تنها گذاشت.

ضمیمه - کمپین حمایت از حقوق افغان های مقیم ایران: ما افغان هستیم نه برده!

با سلام و عرض ارادت خدمت تمامی شما عزیزان.

ما بیش از سی سال است که در ایران زندگی می کنیم از زمانی که به افغان ها یک کاغذ سفید رنگ بابت شناسایی داده شد ما بودیم. بعد از آن کارت هایی دادند که مانند دفترچه و با زمینه سفید بود که با آن ها کوپن هم گرفتیم. سال ها بعد به ما کارت آبی رنگ دادند و پس از آن کارت های صورتی رنگ که تقریباً طول آن یک و یک ربع می باشد را به افغان ها دادند. ابتدا به عنوان کارت پناهندگی دائمی بود و ما پناهنده دائم به حساب می آمدیم اما در این مراحل این کارت های پناهندگی دائم تبدیل شد به کارت ویژه آوارگان افغانی و برگ تردد. بعد از این همه که از امتیازات ما کاسته شد حال ما تبدیل شده ایم به آواره جنگی آن هم پس از بیست و چند سال اقامت در ایران.

اکنون که در مرحله آمایش سه هستیم و تا ۱۳۸۶/۱۲/۱۵ وقت داریم تا برای تعویض کارت و مجوز کار از طریق سایت (<http://www.amayesh3.ir>) ثبت نام کنیم تنها به ما اجازه داده اند از بین شغل های زیر یکی را انتخاب کنیم.

۱- گچ پز ۲- آهک پز ۳- کیسه زن ۴- کوره خالی کن ۵- کوره چین ۶- فخار ۷- قالب زن ۸- چاه کن ۹- حفار ۱۰- آسفالت کار ۱۱- تون ریز ۱۲- بتون ساز ۱۳- بلوک ساز ۱۴- دامپرور و دامدار ۱۵- متصدی مرغداری ۱۶- چوپان ۱۷- سلاح دام و طیور ۱۸- پوست و پر کن ۱۹- سیرابی و روده پاک کن ۲۰- آهک زن ۲۱- پرم ساز ۲۲- ماشین کار شستشوی پوست ۲۳- کارگر مواد شیمیایی ۲۴- اسلامبورساز ۲۵- کارگر سوزاندن امحاء زباله ۲۶- کارگر بازیافت مواد شیمیایی ۲۷- کارگر تخلیه و بارگیری ۲۸- کارگر کوره ریخته گری ۲۹- پله ساز ۳۰- تیرچه ساز ۳۱- پرس کار موزائیک ۳۲- برش کار سنگ ۳۳- کارگر دستگاه سنگبری ۳۴- کارگر ماشین سنگتراش ۳۵- صیقل کار سنگ ۳۶- مشاغل راه سازی و معدن ۳۷- کارگر پل سازی ۳۸- کارگر تعمیر و نگهداری تونل ۳۹- کارگر آتشبار ۴۰- کارگر استخراج معدن ۴۱- کارگر حفار معدن ۴۲- کارگر بیل زن ۴۳- کارگر زراعت کار ۴۴- کارگر سمپاش ۴۵- کارگر علوفه جمع کن.

سالیان سال است که حق ما افغان ها در ایران ضایع شده و می شود اما تاکنون کسی نبوده تا این مشکلات افغان ها را به گوش جوامع بین الملل برساند، شغل هایی که بیان نموده اند جزء سخت ترین و طاقت فرساترین شغل ها می باشد. لذا ما افغان ها از شما دوستان گرامی این خواهش را داریم تا نسبت به این اقدام ما را یاری نمایید. ما در ایران نمی توانیم که کوچک ترین حرکتی نماییم. زیرا اگر ما را بشناسند کم ترین کاری که خواهند کرد این است که سالیان سال در گوشه شکنجه گاه ها ما را حبس می کنند. ما این تقاضی را داریم تا از طریق گروه های حقوق بشر به دولت ایران اعتراض نمایید تا این تبعیض نژادی را برداشته و ما را به عنوان شهروند درجه اول بدانند. ما که بیش از بیست سال در این مملکت زندگی کرده ایم. حال شرط انصاف نیست که به ما و با قشر تحصیل کرده مانند برده و گلابدیاور رفتار کنند. خواهش می کنیم که صدای ملت مهاجر افغان در ایران را به گوش جهانیان برسانید.

بهرام رحمانی - bamdadpress@ownit.nu با تشکر فراوان از کمپین حمایت حقوق افغان های مقیم ایران

* وبلاگ کمپین حمایت از حقوق افغانی های مقیم ایران: <http://www.afg-iran2.blogfa.com>

* سایت حکومت اسلامی ایران، برای ثبت نام کارگران افغانی: <http://www.amayesh3.ir>

* برگرفته از نشریه جهان امروز، شماره ۲۰۲، نیمه اول بهمن ماه ۱۳۸۶ - نیمه اول فوریه ۲۰۰۸